گفتگو با استاد آیة الله سبحانی

به دنبال طرح مباحثی در باره کتابهای درسی و نظام آموزشی حوزه علمیه در بخش نامه ها و مقالات شماره های پیشین، از این پس در گفتگو با بزرگان و اساتید به بررسی نظام آموزشی حوزه خواهیم پرداخت و از دیدگاههای آنان آگاه خواهیم شد . امید ست با این اقدام، گامهایی در جهت اجرای منویات زعمای حوزه و مقام معظم رهبری برداشته باشیم .

گفتگوی این شماره با حضرات اساتید آیة الله سبحانی و آیة الله اعتمادی است .

پیام حوزه: با توجه به ضرورت بررسی نظام آموزشی حوزه بخصوص کتابهای درسی، به عنوان اولین و اساسیترین سؤال، لطفا بفرمایید به طور کلی هدف از تحصیلات حوزوی چیست؟

هدف از تحصیل در حوزه، همان است که در کتابهای آسمانی به عنوان هدف انبیا بیان شده است . در حقیقت انبیا آمده اند تا مردم را تزکیه کنند و آموزش دهند . حوزویان به آیه «یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة » (1) عمل می کنند . چارچوب تحصیلات حوزوی این است: در درجه اول خودسازی و در کنار آن خود آگاهی و سپس باید به سراغ جامعه رفت .

پیام حوزه: علاوه بر تزکیه و تعلیم، آیا حوزه ها وظایف دیگری - بویژه در اداره جامعه - دارند؟

البته وظایف دیگری هم داریم، از جمله امر به معروف و نهی از منکر که دارای مراتبی است; بعضی از مراتبش برای کسانی است که دارای قدرت باشند همچنانکه در روایت آمده: «ذوی المنعة و القدرة و . . .» . یک نفر روحانی باید توانایی های خودش را بسنجد و با توجه به شرایط جامعه، می تواند در جامعه حضور داشته باشد و وظایف مختلفی را به عهده گیرد .

پیام حوزه: حضرت عالی به عنوان کسی که سالها در حوزه تحصیل و تدریس فرموده اید و با این نظام آموزشی و شیوه تعلیم و تعلم آن کاملا آشنا هستید، بفرمایید نقاط قوت و کاستیهای نظام آموزشی حوزه چیست؟

نقاط قوت نظام آموزشی حوزه بسیار است; در درجه اول ما تعلیم و آموزش را امری الهی تلقی می کنیم; و اساس در نظام علمی شیعه این بوده است . و خود اینکه مقصد الهی باشد، در انسان نوعی تحول ایجاد می کند . در حالی که در مراکز دیگر علمی این گونه نیست . نمی خواهم بگویم که اصلا انگیزه های انسانی و یا احیانا معنوی در آنها وجود ندارد، اما اگر هم باشد کم رنگتر است .

دوم، تحصیل در حوزه برای فهم مساله است نه حفظ آن، امتحان هم در حوزه ها امتحان قوت است نه حافظه . در زمان مرحوم آیة الله حائری یزدی قدس سره - که سرآغاز امتحانات در حوزه محسوب می شود - اینچنین بود، حفظ مطلب را نمی خواستند، مثلا کتاب مکاسب را باز می کردند، طلبه صفحه ای را می خواند و مطالب علمی را بیان می کرد .

سوم، تدریس در ضمن تحصیل است یعنی آنکه طلاب و فضلا در ضمن تحصیل دروس مراتب بالاتر دروس مراتب پایینتر را تدریس می کنند و این خیلی مهم است . این امر علاوه بر آنکه زمینه یادآوری دروس مراتب پایینتر است، موجب می شود تا بر عمق فهم مطالب گذشته افزوده و اشکالات رفع شود . این مزیت تنها با تدریس حاصل می شود که دیگر نظامهای آموزشی غالبا از آن بی بهره اند .

چهارم، در حوزه ها برخلاف نظامهای دیگر آموزشی - که مواد درسی متنوعی تدریس می شود و ذهن به صورت حوضچه ای در می آید که چیزهای مختلفی همزمان وارد آن می شود - مواد درسی محدودی، دو یا حداکثر سه ماده درسی آموخته می شود و پس از تکمیل آن در حد لازم، دروس دیگری آموخته می شود . این موضوع موجب

تمرکز ذهن و فراگیری آسانتر و بقای مطالب در ذهن می شود . البته امروز با توجه به نیاز به فراگیری علوم مختلف، دروس عمومی قرار داده شده است، اما در عین حال باید از تراکم مطالب جلوگیری کرد و به جای آموزش علوم مختلف در یک زمان این علوم مرحله ای آموخته شوند .

پنجم، بحث و مناظره طلاب با یکدیگر و با استاد در حین درس است . این مناظرات که در حوزه مرسوم بوده و هست، باعث پختگی شاگرد و تنقیح دقیق مطالب می شود . در حوزه چنین نیست که استاد درس بگوید و شاگرد بشنود و یا بنویسید و بس . علاوه براین در حوزه ها اساتید و بزرگان متعددی یک درس را تدریس می فرمایند ولذا مجال انتخاب استاد برای متعلم فراهم است که این تاثیر بسزایی در رشد طلاب دارد .

ششم، روحیه قناعت و زهد و بی توجهی به ظواهر مادی است که باعث شده تا طلاب علوم دینی بتوانند بیشترین استفاده را از اوقات خود بنمایند . البته این به آن معنی نیست که هیچ تفریح سالمی در میان طلاب نباید باشد . طلاب هم تفریحات سالم دارند .

پیام حوزه: در حوزه کتابهای متعددی در مقدمات و سطوح تدریس می شود و بعضی از همین کتابها نیز محور تدریس در دروس خارج است . نظر حضرت عالی در مورد این کتابها چیست؟ و آیا اینها را کتابهای درسی مناسبی می دانید؟

در واقع این بخش دوم سؤال قبلی بود که ما نقاط قوت حوزه را گفتیم و نقاط ضعف را نگفتیم . در درجه اول ما باید در حوزه به زبان کلیدی (زبان عربی) تسلط کامل داشته باشیم، که متاسفانه تسلط برآن در حوزه ضعیف است و نسبت به گذشته ضعیفتر هم شده است .

ادبیات عرب را باید در سه مرحله آموخت: 1) خواندن; 2) نوشتن; 3) تلفظ و مکالمه .

در حال حاضر عده ای از محصلان نمی توانند آنچنان که باید، از تاریخ طبری و نهج البلاغه بهره بگیرند . چون آموزش ادبیات عرب در حوزه به خواندن قواعد خلاصه شده است و لازم است برای رفع این مشکل دوره های عمومی برای آموزش ادبیات عربی در این سه مرحله ایجاد کنیم تا در نتیجه گرایش به تاریخ و تبلیغ در خارج از کشور بیش از پیش شود .

مشکل دیگر، تدریس عمومی کتابهای سطح عالی برای همه طلاب است عده ای می خواهند تحصیلات کوتاه مدتی داشته باشند وعده دیگر می خواهند سالهای زیادی در حوزه بمانند و محقق و مجتهد شوند . علاوه برآن همه طلاب ظرفیت ادامه تحصیل تا نهایت علوم حوزوی را ندارند . لذا باید برای گروه اول کتابهای جداگانه ای در فقه و اصول تالیف شود و یا از کتب موجود مثل مختصرالنافع و مانند آن استفاده کرد . برای این کار باید براساس استعدادها برای طلاب، دو سطح قرار دهیم: کوتاه مدت و درازمدت .

برای دوره کوتاه مدت حتی شرح لمعه هم زیاد است، اما برای آنها که می خواهند، محقق و مجتهد شوند آموزش کتابهای موجود بسیار مفید است لذا باید با دقت و وسواس عمل کرد . باید کار اصلاح، تغییر و یا تدوین کتاب توسط لجنه هایی باشد . باید توجه داشت که این کار را به صورت فردی نمی شود انجام داد و نباید انجام داده شود .

همچنین باید توجه داشت که آنچه پس از اصلاح و یا تدوین کتابهای جدید به دست می آید، بهتر، مفیدتر و کاراتر باشد . خصوصا اینکه بجز کفایه، بقیه کتابهای درسی سطح برای آموزش نوشته نشده اند و نمی توان گفت که اینها باید دائما باشند . اما در عین حال باید دانست اصلاحات فردی و یا جمعی که بدون دقت و ملاحظه همه جوانب صورت پذیرفته با شکست روبرو شده و می شود . لذا باید لجنه ای که دارای صلاحیت و اهل درد باشند در این باره اقدام کنند .

پیام حوزه: امروزه در نظامهای آموزشی غیرحوزوی بعد از سالها تحقیق و تجربه شیوه های خاصی برای تدریس اتخاذ شده است . نظر حضرت عالی در مورد این شیوه ها چیست؟

یکی از شیوه های آنان تمرین مسائل و آموخته ها همراه با تعلیم است، در حوزه، ما قواعد را می خوانیم اما تمرین چگونگی استفاده از آن را در درس نداریم . الآن علم اصول به صورت علم خشکی درآمده است، قواعد را از اول تا آخر می خوانیم و حال آنکه بسیاری از اوقات محصلان نمی دانند این قواعد در کجای فقه به درد می خورد . اگر در حوزه مثلا در علم اصول هنگام تدریس هر اصلی، ده فرع فقهی که برآن مترتب می شود بیان شود، خیلی مؤثر است . همچنین در آموزش منطق و علوم عقلی و . . . . آنچه در حوزه نیاز داریم این است که این علوم از جنبه تئوری بیرون بیایند و جنبه عملی پیدا کنند .

علاوه بر آن، غرض از هر علم را باید کاملا تشریح کرد تا محصل بداند این علوم را برای چه می آموزد و چه اموری براین آموخته ها مترتب است و آموختن این علوم، مقدمه کدام مطالب است; تا در نتیجه ذوق و اشتیاق به آموختن بیشتر شود . این همان است که قدما به آن رؤوس ثمانیه می گفتند .

پیام حوزه: بعضی، علت رشد علمی در حوزه را همین پیچیدگی کتابها و غامض گویی و سنگین بودن مطالب می دانند، برخلاف جاهای دیگر که سعی می شود مطالب به ساده ترین وجه ممکن بیان شود . از این جهت می گویند نباید به ترکیب این کتابها دست زد و چنانچه کتابی در حوزه جانشین کتاب دیگری می شود باید به همان سبک و سیاق باشد . نظر حضرت عالی چیست؟

کتابهای درسی نباید کتابهای مشروحی باشد، این را آزمایش کرده ایم و معلوم شده است که چنین کتابهایی برای تدریس مفید نیستند . کتابهای درسی باید مختصر باشند، تا استاد هم بتواند روی آنها مطالعه و کار کند . البته در عین اختصار باید گویا هم باشد و الا اگر در کتاب درسی همه چیز را بنویسیم، این کتاب درسی نمی شود بلکه کتاب مطالعه ای است .

پیام حوزه: لطفا بفرمایید شیوه عملی اصلاح کتابهای درسی، چگونه باید باشد؟

کتابهای موجود کتابهای خوبی است و بعضی از آنها با اصلاحاتی می توانند کتابهای درسی مطلوبی باشند . اصلاح و تغییر نیز باید بتدریج و با آزمایش باشد . اینکه ما همه کتب را عوض کنیم، درست نیست . هیچ دلسوزی نمی گوید یک دفعه همه چیز را از بیخ و بن براندازیم . در بازنگری، اصولی باید رعایت شود:

اولا، کتاب درسی باید موجز باشد . ثانیا، همچنانکه اشاره شد از اغلاق و تعقید بیرون بیاید . ثالثا، مسائل و مطالب کتاب شکل هندسی و هرمی پیدا کند; یعنی مساله اولی پایه برای دومی، دومی پایه برای سومی باشد . اما متاسفانه این نه در اصول فقه عایت شده و نه در فقه . علاوه براین، مسائل باید تیتربندی شود، در مکاسب شیخ گاهی یک مطلب چند صفحه پشت سرهم ذکر می شود، ابتدا و انتهای مطلب مشخص نیست . در عین حال همین کتاب مکاسب را اگر چند نفر آشنا با مسائل اصلاح کنند، خیلی خوب می شود .

پیام حوزه: بفرمایید این لجنه ها از چه ترکیبی باید برخوردار باشند؟

اولا باید یک هیات عالی علمی بر کار همه گروهها نظارت کند و آن شورای عالی حوزه است و افراد هر لجنه باید از مطالب آن کتاب و علم مربوط به آن کاملا آگاه باشند، چند دوره آن را تدریس کرده و مطالب را حلاجی کرده باشند . همچنین باید ذوق اصلاح و بازنگری داشته و علاوه برآن با نظامهای آموزشی جهان آشنا باشند .

پیام حوزه: برای اینکه از وقت طلاب بهترین استفاده شود و طلاب سریعتر پیشرفت کنند، چه باید کرد؟

اولا باید دبیرستانهایی مخصوص حوزه داشته باشیم . کسانی که وارد حوزه می شوند از عموم دانش آموزان هستند، در حالی که باید از دبیرستانهای خاصی باشند که دروس آنها مقدمه ورود به حوزه باشد . بنده در ترکیه این مساله را دیدم، آنان مدارسی دارند به نام «امام خطیب » که تحصیلات دانش آموزان آن مقدمه ای برای دروس اسلامی است، ولی متاسفانه ما در ایران نداریم .

ثانیا، در حال حاضر طلاب پراکنده هستند; باید مرکزی در حوزه باشد که طلاب با اساتیدشان در تماس باشند . ارتباط به کلاس درس محدود نباشد . اساتید باید با حضور مستمر و روزانه طرف مراجعه طلاب باشند . طلاب مسائل را عرضه و اساتید آن را بررسی کنند . این ارتباط مستقیم در رشد طلاب بسیار مؤثر است .

پیام حوزه: به رغم آنکه آقایان طلاب ضرورت آموختن دروس عمومی حوزه را دریافته اند، اما از این دروس آنچنان که باید استقبال نمی شود . علت آن را چه می دانید؟

خیلی واضح است; در حوزه به فقه و اصول بها داده می شود، اما اگر کسی متکلم یا فیلسوف شد، به او بها داده نمی شود . مادامی که فقط فقه و اصول جنبه رسمی دارد و مورد اعتنای تام است و به علوم دیگر بهای لازم داده نمی شود، در طلاب انگیزه برای فراگیری این علوم، ایجاد نمی شود . در نظام کنونی، حصول این گونه تخصصها در بعض افراد جنبه تصادفی دارد و نتیجه تلاش و کشش ذهنی خودشان است .

اگر زمینه های استفاده مناسب از این نیروها فراهم باشد، اشتیاق به این علوم فراگیر می شود . اگر سالانه و با گزینش، عده ای از حوزه به خارج اعزام شوند و امکانات لازم برای آنها هم فراهم باشد، بسیاری از مشکلات حل می شود . متاسفانه حوزه های ما صادرات ندارند .

پیام حوزه: برای ایجاد زمینه مناسب جهت طرح مباحث مورد نیاز جامعه در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و . . . در حوزه فقاهت و دروس خارج، چه باید کرد و چرا مباحث مورد نیاز در دروس خارج طرح نمی شود؟

جازما عرض می کنم تمام مسائلی که شما به عنوان مسائل مستحدثه بدان اشاره کردید، ریشه های آن در فقه هست و اگر فقیه ریشه را در دست داشته باشد، می تواند به همه اینها جواب دهد و نظر خود را عرضه کند . ما نباید واهمه داشته باشیم، فقه شیعه بحمدالله قوی است . با وجود روایات و احادیث و منابع غنی، نگرانی وجود ندارد .

فقط فقیهی می خواهد بینا و بصیر تا به جوابگویی بپردازد .

مثلا بعضی اصرار دارند که بیمه را تحت عنوان یکی از عقود موجود درآورند . این یک جمود است، ما باید خود بیمه را حل کنیم .

اما اینکه چرا این مباحث وارد مباحث فقهی نشده، علت آن است که سابقا حکومت اسلامی نداشتیم و حوزه های ما از خارج بریده بودند و این مباحث در این اواخر مطرح شده اند و بحمدالله اکنون انگیزه لازم برای بررسی و پاسخ به آن وجود دارد .

پیام حوزه: چه باید کرد تا این مباحث وارد حوزه شوند؟ چرا مدرسان استقبال نمی کنند و این بحثها مطرح نمی شود؟

دو انگیزه دارد: اول آنکه، حل این مباحث، از سوی بسیاری، نشانه فقاهت و بینش فقهی محسوب نمی شود; حال آنکه حل اینها مردانگی می طلبد .

ثانیا، همه افراد هم نمی توانند وارد این بحثها شوند . در هر بحثی که فقیه بخواهد وارد شود باید زبان آن را بداند; اگر می خواهد مساله پول را حل کند باید تاریخچه پول و چگونگی تحولات آن را بشناسد و جایگاه فعلی پول را در نظامهای اقتصادی بشناسد و از کتابها و نظریات اقتصاددانان آگاه باشد . اگر بخواهد راجع به بیمه بحث کند، باید با زبان و عرف بیمه نویس آشنا باشد، باید تمام قوانین بیمه را بخواند و بررسی و تحقیق کند . همچنین در مسائل حکومتی، تا فرد همه مسائل نظامهای حکومتی اسلامی و غیراسلامی را نداند و فکر سیاسی پیدا نکند، نمی تواند در این مسائل اظهار نظر کند .

پیام حوزه: برداشت بنده از فرمایش حضرت عالی این است که مشکل اصلی، موضوع شناسی مسائل مستحدثه است .

بله همین طور است .

پیام حوزه: شاید بهترین راه حل برای طرح و بررسی این مسائل و حفظ غنای فقه، تخصصی شدن علوم اسلامی بخصوص زمینه های مختلف فقه باشد . اولا نظر شما در مورد تخصصی شدن همه علوم، بخصوص فقه چیست؟ و ثانیا ورود به مباحث تخصصی از چه مقطعی باید باشد و چه مقدمات و تمهیداتی لازم دارد؟

در رشته های مختلف فقه، آگاهی از فقه عمومی در حد اتمام سطح و گذراندن چند سال دوره عمومی فقه برای آشنایی با روش اجتهاد لازم است; همچنانکه در علم طب نیز هیچ متخصصی از تحصیلات عمومی پزشکی بی نیاز نیست .

بنده تخصص در فقه را در چهار زمینه پیشنهاد می کنم:

1) مراحل احوال شخصیة (نکاح، طلاق، میراث، وصیت و) . . . ;

2) عبادات (زکات، حج، صلات و) . . . ;

3) سیاسات (قضاوت، شهادت، حدود و) . . . ;

4) معاملات (مضاربه، مساقات، اجاره و). . . .

هر کس باید ذوق خود را بیازماید و به فراخور حال در یکی از این چهار رشته وارد شود . من معتقدم ابتدا باید از احوال شخصیه شروع کرد .

پیام حوزه: گرایش تخصصی در علوم دیگر را با چه روشی و از چه زمانی لازم می دانید؟

روش همان است که در حال حاضر در حوزه عملی شده و چند رشته تخصصی ایجاد شده است که ان شاءالله به مرور زمان نقاط ضعف آنها آشکار می شود و اصلاح می گردد . اما گرایش تخصصی در غیر از فقه و اصول باید پیش از اتمام سطح شروع شود . همین که شخص با کلیات مسائل اسلام و فقه آشنا شد و اصول مختصری هم یاد گرفت، باید مقدمات گرایش تخصصی خود را بیاموزد . برای چنین شخصی خواندن کتابهای

پیچیده فقهی و اصولی هیچ ضرورتی ندارد . مثلا کسی که می خواهد متکلم شود، باید با فلسفه و منطق و مباحث کلامی قدیم و جدید و مکاتب و تفکرهای فلسفی و اعتقادی جهان آشنا شود و مطابق زمان پیش رود . نمی شود هم مکاسب و کفایه خواند و هم در کلام یا دیگر علوم صاحب نظر شد . لذا باید از همان اول مسیرها جدا شود .

پیام حوزه: بعضی از کتابهای دروس عمومی حوزه، کتابهایی است که حضرت عالی تدوین فرموده اید و یا از درسهای حضرت عالی اتخاذ شده است . بفرمایید تحصیل چه علومی را به عنوان دروس عمومی لازم می دانید؟

علاوه بر دروس عمومی رایج، طلاب باید یک دوره تاریخ عمومی بدانند، تاریخ پیامبر و ائمه و دست کم تاریخ سه قرن اول اسلام .

اما اگر بخواهد همه رشته ها تخصصی شود، باید تاریخ هم تخصصی شود، ما تاریخ را دست کم گرفته ایم، تاریخ هم برای خود اصول و قواعدی دارد; علل حوادث، و ارتباط آنها با یکدیگر، نتایج مترتب بر آنها و تحلیل قضایای تاریخی، رشته تخصصی را می طلبد .

پیام حوزه: با توجه به اینکه حضرت عالی برای دفاع از مکتب و مبارزه با عقاید فاسد از قبیل وهابیت کتابهایی نوشته اید، بفرمایید آیا حوزه توانسته است به وظیفه خود در دفاع از عقاید اسلامی و پاسخگویی به شبهات بخوبی عمل کند؟ علاوه برآن چه باید کرد تا فضلایی که می خواهند در این زمینه ها آگاه شوند همیشه در جریان آخرین تحولات فکری، فلسفی و کلامی جهان قرار گیرند؟

ما قبلا دو دشمن داشتیم: یکی مارکسیستها و دیگری وهابیها . مارکسیسم از نظر اقتصادی فرو پاشید ولی از نظر فکری هنوز در دنیا زنده است . قهرا باید عقاید آنها را به عنوان یک ماده درسی قرار بدهیم; چنانکه در رشته کلام این کار را انجام داده ایم . وهابیت نیز الآن مشکل جهان اسلام است . وهابیت به عنوان توحید و شرک با تمام مقدسات و عقاید مسلمین بازی می کند . اینها نه تنها دشمن شیعه، بلکه دشمن همه مسلمین هستند . وهابیت در چهارده موضوع، مسائلی را مطرح می کند که باید این اشکالات و جوابشان را بدانیم . حتما باید این دو ماده درسی در تمامی رشته های تخصصی بویژه در تبلیغ وارد شود .

برای اینکه در جریان پیشرفتها و نظریات علمی باشیم باید در حوزه تشکیلات اطلاع رسانی به وجود آید نه اینکه کتابی چاپ شود، بعدها ترجمه شود و به بازار بیاید و ما از آن مطلع شویم .

حوزه باید تشکیلات اطلاع رسانی داشته باشد، مترجمانی داشته باشد، مجلات و کتب جدید را ببینند و ترجمه کنند و در اختیار صاحبنظران حوزه قرار دهند .

پیام حوزه: پس به نظر شما یکی از دلایلی که حوزه مطابق با زمان به مسائل جواب نمی دهد، بی خبری است .

بله، یکی از مشکلات حوزه، بی خبری است; حوادثی که اتفاق می افتد موجش به ما می رسد، اما باید پیش از آنکه موج ایجاد شود ما مطلع شویم و این با سیستم اطلاع رسانی حل می شود .

پی نوشت:

1) سوره جمعه (62) : 2 .